پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

شمارهٔ ۳۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
صص ۵-۲۴ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 37, Autumn &Winter 2025/2026

فراتر از غایت: تحلیل معناشناختیِ «حتی» و کاربست آن در حل اختلافات تفسیری قرآن کریم

سجاد محمدفام[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۲۶ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۰۹)

چکیده

تبیین دقیق مفاد معنایی ادوات قرآنی، پیش‌نیازی بنیادین برای فهم عمیق کلام الهی است. در این میان، ادات «حتی» به دلیل کثرت استعمال و تنوع کارکردهای معنایی، به یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث در تفاسیر ادبی بدل شده است. اگرچه معنای اصلی این ادات «انتهای غایت» است، اما اتخاذ این معنا به صورت پیش‌فرض در تمام بافت‌ها، می‌تواند رهزن فهم دقیق باشد. مسئلهٔ اصلی این پژوهش، ارائهٔ یک چهارچوب روش‌مند برای حل اختلافات تاریخی مفسران در تشخیص معنای «حتی» در آیات محل نزاع است. این مقاله با اتخاذ روش توصیفی- تحلیلی و بر پایهٔ «معناشناسی مبتنی بر بافت»، به واکاوی مهم‌ترین آیات اختلافی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که با تحلیل دقیق قرائن متنی و منطق حاکم بر آیه، می‌توان به گزینشی مستدل میان سه کارکرد اصلی دست یافت: در آیاتی که بر نقطه پایانی یک عمل یا زمان تأکید می‌شود، معنای پایه‌ایِ انتهای غایت (به‌معنی إلی أن) کارکرد اصلی است؛ در آیاتی که «حکمت» و «علت غایی» یک فعل الهی یا انسانی مطرح است، معنای تعلیل (به‌معنی کَي) ارجحیت می‌یابد؛ همچنین، در گزاره‌هایی که وقوع یک حکم به یک «شرط انحصاری» یا «امری محال» منوط شده، «حتی» کارکرد بلاغی استثناء (به‌معنی إلّا أن) را ایفا می‌کند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که تشخیص صحیح کارکرد «حتی» در هر بافت، صرفاً یک انتخاب لغوی نیست، بلکه کلید دستیابی به لایه‌های عمیق‌تر معنایی و رفع بسیاری از مناقشات تفسیری است. این چهارچوب تحلیلی می‌تواند به مثابه ابزاری کارآمد، به دقیق‌تر شدن ترجمه‌ها و تفاسیر قرآن یاری رساند.

کلید واژه‌ها: ادات قرآن، حتی، معناشناسی، تفسیر ادبی، انتهای غایت، تعلیل، استثناء.

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران؛
ac.mohammadfam@azaruniv.ac.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

۱. بیان مسئله

فهم دقیق معانی حروف و ادوات، به مثابه کلیدی برای گشودن گنجینه‌های معنایی قرآن کریم، همواره در کانون توجه مفسران و زبان‌شناسان بوده است. این اجزای به ظاهر کوچک، نقشی بنیادین در تعیین روابط منطقی و انتقال ظرایف بلاغی کلام الهی ایفا می‌کنند، تا جایی که سیوطی فهم آن‌ها را از «مهمات امور تفسیر» می‌شمارد (سیوطی، ۴۵۴/۱). در این میان، ادات «حتی» با ۱۴۲ بار تکرار در قرآن، جایگاهی ویژه و در عین حال، به غایت چالش‌برانگیز دارد.

عموم کتب نحو و تفسیر، معنای اصلی «حتی» را «انتهای غایت» معرفی می‌کنند (نک: ابن هشام، ۱۲۳/۱؛ حسن، ۴۴۵/۲)؛ اما اصرار بر این معنای پایه در بافت‌هایی که منطق آیه، ساختاری دیگر را اقتضا می‌کند، منجر به تفاسیری می‌شود که یا با انسجام درونی کلام ناسازگارند، یا از انتقال لایه‌های عمیق‌تر معنایی قاصر می‌مانند. بررسی اولیه تفاسیر ادبی نشان می‌دهد که مفسران بزرگ، درباره مفاد معنایی «حتی» در بیش از سی مورد، دچار اختلاف نظر جدی شده‌اند. این گستردگی و تنوع در موارد اختلافی، به وضوح نشان می‌دهد که ما با یک مسئلهٔ نظام‌مند روبه‌رو هستیم. برای نمونه، در آیاتی چون ...حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ... (البقره، ۲۱۷) و ...حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ... (آل‌عمران، ۱۷۹)، نزاع میان غایت و تعلیل مطرح است و در گزاره‌هایی مانند ...حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً... (البقره، ۵۵) تقابل میان غایت و استثناء شکل می‌گیرد. همچنین در ساختار «حَتَّى إِذَا» که ۴۲ بار تکرار شده، اختلاف بر سر ابتدائیه یا جارّه بودن «حتی» وجود دارد، چنانکه در آیه حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ... (آل‌عمران، ۱۵۲) این چالش نمایان است. این گستردگی و تنوع در موارد اختلافی، به وضوح نشان می‌دهد که ما با یک مسئله نظام‌مند و ریشه‌دار در مطالعات قرآنی روبه‌رو هستیم، نه چند مورد استثنائی و پراکنده.

با توجه به این پیچیدگی‌ها، مسئله اصلی این تحقیق، ارائه راهکاری برای گذار از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

«گزارش اختلافات» به «حل اختلافات» است. بنابراین، پژوهش حاضر می‌کوشد بـه ایـن پرسش بنیادین پاسخ دهد: چگونه می‌توان با شناسایی دقیق «قـرائن بافتـاری و منطقـی»، معیاری روش‌مند برای تمایز میان کارکردهای معنایی «غایت»، «تعلیل» و «استثناء» ارائـه داد تا بتوان به تفسیری راجح و منسجم در آیات اختلافی دست یافت؟

۲. مقدمه

قبل از پرداختن به اصل مقاله ذکر چند نکته مقدماتی ضروری است:

۲-۱. پیشینه و جنبهٔ نوآوری

پژوهش‌های انجام شده در این حوزه را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

دسته اول، پژوهش‌های نحوی و لغوی هستند که سنگ بنای اصلی شناخت این ادات را تشکیل می‌دهند. آثاری چون الکتاب سیبویه، مغنی اللبیب ابن هشام و دیگر کتب نحوی، با دقت به نقش‌های سه‌گانهٔ «حتی» پرداخته و شروط و ویژگی‌های هر یک را با ذکر شـواهد شعری و نثری تبیین کرده‌اند. مقالهٔ «نگاهی به کاربرد "حتی" در زبـان عربـی» اثـر احمـد پاشا زانوس نیز در همین راستا، به طبقه‌بندی معانی حقیقی و نحوی این ادات مـی‌پـردازد. این دسته از آثار اگرچه برای تحلیل ساختاری ضروری هستند، اما هدف اصلی آن‌ها حـل اختلافات تفسیری و معنایی در بافت پیچیدهٔ آیات قرآن نیست و عمدتاً به تبیین قواعد کلی اکتفا می‌کنند.

دستهٔ دوم، تحلیل‌های تفسیری پراکنده: تفاسیر ادبی بزرگی چون الکشـاف زمخشـری و البحر المحیط ابوحیان اندلسی، به ظرایف معنایی این ادات توجه ویژه‌ای داشته و بـه طـرح احتمالات مختلف معنایی به صورت موردی در ذیل آیات پرداخته‌اند، اما الگـویی منسـجم برای حل تمام موارد اختلافی ارائه نمی‌دهند.

دستهٔ سوم، پژوهش‌های جدید با رویکردهای زبان‌شناختی و معناشناختی نوین هستند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

مقالاتی مانند «تحلیل شبکه معنایی حرف "حتی" در قرآن با رویکرد معناشناسی شناختی» (عامری برکی و همکاران) و «تحلیل شناختی مفهوم استعاری "انتقال" در حرف "حتی"» (توکل‌نیا و حسومی)، کوشیده‌اند تا با بهره‌گیری از نظریات جدید، به درک عمیق‌تری از کارکردهای این ادات دست یابند. این مقالات با شناسایی معانی استعاری جدیدی چون «تجمیع»، «انتقال» و «پیوستن»، افق‌های تازه‌ای را در این بحث گشوده‌اند. با این حال، تمرکز اصلی این پژوهش‌ها بر تبیین شبکهٔ معنایی شناختی و مفاهیم استعاری است و مسئلهٔ اصلی آن‌ها، ارائهٔ یک چهارچوب روش‌مند برای «داوری» و «رفع اختلاف» میان آراء مفسران سنتی دربارهٔ معانی اصلی (غایت، تعلیل و استثناء) نیست.

با مرور این سه دسته از تحقیقات، مشخص می‌شود که جای خالی یک پژوهش مستقل که دو ویژگی کلیدی را همزمان داشته باشد، به شدت احساس می‌شود: اول، جامعیت در پوشش تمامی موارد اختلافی و پرهیز از تحلیل‌های موردی و پراکنده؛ و دوم، تمرکز بر «حل مسئله» به‌جای صرفاً «توصیف» قواعد نحوی یا مفاهیم استعاری. پژوهش حاضر دقیقاً برای پر کردن همین خلأ طراحی شده است. این مقاله نمی‌کوشد معانی جدیدی به فهرست معانی «حتی» بیفزاید، بلکه در پی آن است تا با ارائهٔ یک الگوی تحلیلی مبتنی بر بافت، راهکاری برای داوری میان معانی شناخته‌شده و حل مناقشات تفسیری موجود ارائه دهد؛ امری که در پژوهش‌های پیشین کمتر به آن پرداخته شده است.

۲-۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از منظر روش، کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی است. چهارچوب تحلیل بر پایهٔ «معناشناسی مبتنی بر بافت» استوار است. شیوه گردآوری داده‌ها، روش کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است. نخست، تمامی ۱۴۲ مورد استعمال ادات «حتی» در قرآن کریم استخراج و سپس، با نمونه‌گیری هدفمند، حدود ۳۰ آیه‌ای که در تفاسیر ادبی محل اختلاف نظر جدی بوده‌اند، به عنوان نمونهٔ اصلی تحقیق

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

انتخاب گردیدند. روش تحلیل داده‌ها مبتنی بر «تحلیل محتوای کیفی» است که در سه مرحله انجام شد: (۱) استخراج و دسته‌بندی آراء مفسران برجسته ادبی؛ (۲) واکاوی هر آیه در بافت کلامی خود (سیاق)؛ و (۳) تلفیق ابزارهای تحلیل نحوی، بلاغی و انسجام منطقی کلام برای انتخاب دیدگاه تفسیری راجح و تبیین معنای ارجح برای «حتی».

۲-۳. چهارچوب نظری: ابعاد سه‌گانهٔ معنایی «حتی»

برای آنکه بتوان به داوری دقیقی میان آراء مختلف مفسران دربارهٔ معنای «حتی» دست یافت، لازم است ابتدا ابعاد و ظرفیت‌های معنایی این ادات در زبان عربی را به دقت تبیین کرد. تحلیل دستوری «حتی» به‌عنوان حرف جارّه، عاطفه یا ابتدائیه، اگرچه نقطهٔ شروعی ضروری است، اما برای حل اختلافات تفسیری کافی نیست. نزاع اصلی نه بر سر نقش نحوی، که بر سر مفاد معنایی در بافت آیه است. از این‌رو، چهارچوب تحلیلی این پژوهش بر سه کارکرد معنایی اصلی «حتی» تمرکز دارد که عبارتند از: انتهای غایی، تعلیل و استثناء.

۲-۳-۱. معنای پایه: انتهای غایت و ظرایف آن در تقابل با «إلی»

معنای اصلی و بنیادین «حتی»، دلالت بر «انتهای غایت» یا نقطهٔ پایان یک عمل یا امتداد زمانی و مکانی است. در این کارکرد اصلی، «حتی» به ظاهر مترادف با حرف جر «إلی» و در حالت فعلی، مترادف با ساختار «إلی أنْ» عمل می‌کند. این معنای غایی در دو ساختار نحوی اصلی در قرآن کریم به کار رفته است: نخست، بر سر اسم صریح، مانند آیهٔ «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» (القدر، ۵) که در آن، «مَطْلَعِ الْفَجْرِ» غایت و نقطهٔ پایانی برای «سلام» و برکت آن شب است (ابن عاشور، ۴۱۰/۳۰؛ سمین حلبی، ۵۵۰/۶). دوم، بر سر فعل مضارع منصوب، مانند آیهٔ «...وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ...» (الأنعام، ۱۵۲) که در آن، بلوغ یتیم (يَبْلُغَ أَشُدَّهُ)، غایت و پایان زمانیِ حکمِ ممنوعیت تصرف در مال اوست (ابوحیان اندلسی، ۴/ ۶۸۸؛ طباطبایی، ۹۱/۱۳).

با این حال، یک تحلیل معناشناختی دقیق نشان می‌دهد که تقلیل «حتی» به یک

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

مترادف صِرف برای «إلی أن» می‌تواند منجر به نادیده گرفتن ظرایف بلاغی مهمی در کلام الهی شود. نحویان بزرگی چون ابن هشام به این تمایزات اشاره کرده و تفاوت‌های ساختاری و معنایی مهمی را برشمرده‌اند (ابن هشام، ۱۲۳/۱-۱۲۴). برجسته‌ترین این تفاوت‌ها که در تحلیل آیات راهگشاست، عبارت است از:

۱. دلالت بر تدریجی بودن فعل: مهم‌ترین تفاوت معنایی این دو ادات در این است که «حتی» غالباً بر فعلی دلالت می‌کند که به‌صورت تدریجی، مستمر و جزء به جزء به نقطهٔ پایانی خود نزدیک می‌شود. در مقابل، «إلی» چنین الزامی ندارد و می‌تواند بر رسیدن به غایت به صورت دفعی و آنی نیز دلالت کند. به همین دلیل است که برای مثال، می‌توان گفت «کتبتُ إلی زید» (نامه‌ای به زید نوشتم - که فعلی آنی است)، اما نمی‌توان از «حتی زید» در این ساختار استفاده کرد (ابن هشام، ۱/ ۱۲۴). این ویژگی، گزینش «حتی» در آیاتی که بر یک فرآیند مستمر مانند رشد، انتظار، صبر یا وقوع تدریجی یک پدیده طبیعی دلالت دارند، را معنادار و هدفمند می‌سازد.

۲. اتصال غایت به مغیّا: شرط نحوی «حتی» آن است که مجرور آن (غایت) یا باید آخرین جزءِ ماقبلِ آن (مغیّا) باشد (مانند: أکلتُ السمکةَ حتّی رأسَها)، و یا امری متصل و ملاقی به آخرین جزء آن باشد (مانند آیة سَلَامٌ هِیَ حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ). در حالی که «إلی» چنین شرطی ندارد (ابن هشام، ۱۲۳/۱). این ویژگی ساختاری، به لحاظ معنایی، بر یک پیوستگی و عدم انقطاع میان فرآیند و نقطهٔ پایانی آن تأکید می‌کند.

بنابراین، حتی زمانی که «حتی» در معنای پایهٔ «انتهای غایت» به کار می‌رود، انتخاب آن بر «إلی أن» می‌تواند حامل بار معنایی بیشتری باشد و بر مفاهیمی چون استمرار، تدریج در تحقق، و اتصال نقطهٔ پایان به خود فرآیند دلالت کند. اگرچه تحلیل کامل این تقابل‌ها در این مقاله مد نظر نیست و به پژوهشی مستقل نیاز دارد، اما درک این حقیقت که حتی در بنیادی‌ترین معنای خود نیز «حتی» دارای ظرایفی است که «إلی أن» فاقد آن است، به عنوان یک اصل موضوعه، سنگ بنای تحلیل‌های بعدی ما را تشکیل می‌دهد. این

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

اصل به ما یادآوری می‌کند که گزینش‌های واژگانی در قرآن، دقیق و مبتنی بر ظریف‌ترین تمایزات معنایی است.

۲-۳-۲. معنای ثانویهٔ کلیدی: تعلیل (کَیْ التعلیلیة)

یکی از مهم‌ترین کارکردهای معنایی «حتی» که اغلب منشأ اختلاف نظر در تفاسیر می‌شود، افادهٔ معنای «تعلیل» است. در این کاربرد، «حتی» مترادف با «کَیْ» یا «لام تعلیل» عمل کرده و علت و هدفِ وقوع فعل ماقبل خود را بیان می‌کند. در این حالت، «حتی» به معنای «برای اینکه» یا «تا اینکه» (با مفهوم هدف) ترجمه می‌شود. تشخیص این معنا کاملاً به بافت کلامی و منطق آیه وابسته است.

نمونهٔ بارز این کاربرد را می‌توان در آیهٔ «... وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا...» (البقره، ۲۱۷) مشاهده کرد. در اینجا، غایتِ جنگِ کفار، صرفاً یک نقطهٔ پایانی زمانی نیست، بلکه «هدف» و «علت» آن است. آنان «برای اینکه» شما را از دینتان بازگردانند، پیوسته با شما می‌جنگند. بسیاری از مفسران بزرگ ادبی، از جمله زمخشری، طبرسی، آلوسی و علامه طباطبایی بر این معنا تأکید ورزیده‌اند و آن را بر معنای غایت، ارجح دانسته‌اند (زمخشری، ۲۵۹/۱؛ طبرسی، ۵۵۳/۲؛ آلوسی، ۵۰۴/۱؛ طباطبایی، ۱۶۷/۲). این کارکرد، به‌ویژه در آیاتی که حکمت یا نیت یک فعل را بیان می‌کنند، بسیار پررنگ است و غفلت از آن منجر به تفسیری ناقص خواهد شد.

۲-۳-۳. معنای ثانویهٔ خاص: استثناء (إلا أنْ)

بعد سوم و ظریف معنایی «حتی»، کارکرد استثنائی آن است. در این حالت، «حتی» مترادف با «إلّا أن» (مگر اینکه) به کار می‌رود و وقوع فعل ماقبل را به یک شرط یا استثناء منوط می‌سازد (حسن، ۴۴۶/۲). این معنا غالباً در جایی به‌کار می‌رود که حکم کلی بیان شده، تنها با یک استثناء نقض می‌شود و یا وقوع امری، به تحقق شرطی بعید یا محال

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

وابسته است.

آیهٔ «...وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ...» (البقره، ۱۹۱) نمونهٔ روشنی از این معناست. در این آیه، نهی از قتال در مسجد الحرام یک حکم کلی است، «مگر اینکه» آنان آغازگر جنگ باشند. در اینجا، معنای استثناء بسیار دقیق‌تر از معنای غایت است، زیرا آیه درصدد بیان یک نقطهٔ پایان زمانی نیست، بلکه یک شرط انحصاری را برای جواز جنگ مطرح می‌کند (طبرسی، ۵۱۱/۲؛ ابن عطیه، ۲۶۳/۱). به همین ترتیب، در آیاتی که در آن‌ها شرطی محال ذکر می‌شود، مانند آیهٔ مربوط به ورود کافران به بهشت (الاعراف، ۴۰)، معنای «مگر آنکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد»، کارکردی استثنایی دارد که بر عدم امکان مطلق تأکید می‌کند.

در نهایت، با توجه به این سه ظرفیت معنایی، مشخص می‌شود که فهم دقیق آیات متضمن «حتی»، نیازمند فراتر رفتن از یک تحلیل صرفاً نحوی و ورود به حوزهٔ معناشناسی و بلاغت است. انتخاب میان این سه معنا، به قرائن بافتاری، منطق حاکم بر آیه و هدف غایی کلام بستگی دارد. این چهارچوب، ابزار لازم را برای تحلیل موارد اختلافی و گزینش تفسیر ارجح در بخش بعدی مقاله فراهم می‌آورد.

٤. بازکاوی معنی «حتی» با تاکید بر کارکردهای قرآنی

پس از تبیین ابعاد سه‌گانهٔ معنایی «حتی»، اکنون می‌توان با به‌کارگیری چهارچوب نظری، به تحلیل موارد چالش‌برانگیز و اختلافی در تفاسیر پرداخت. هدف این بخش، ارائهٔ تفسیری راجح و مستدل از معانی «حتی» در آیاتی است که به کانون مناقشات معناشناختی تبدیل شده‌اند.

٤-١. غایت یا تعلیل؟ بازخوانی کارکرد «حتی» در بیان حکمت افعال

یکی از ظریف‌ترین و در عین حال پربسامدترین موارد اختلاف‌نظر در تفاسیر قرآن، به

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

تمایز میان کارکرد «غایی» و «تعلیلی» ادات «حتی» بازمی‌گردد. این دو معنا، اگرچه در سطح ترجمهٔ اولیه ممکن است به هم نزدیک به نظر برسند، اما از منظر معناشناسی و تحلیل گفتمان، دو جهان‌بینی متفاوت را نمایندگی می‌کنند و انتخاب هر یک، ابعاد کاملاً متفاوتی از پیام آیه را برجسته می‌سازد. درک دقیق این تمایز، کلید حل بسیاری از مناقشات تفسیری است.

معنای «غایت» (إلی أن)، کارکردی توصیفی دارد و صرفاً بر «نقطهٔ پایان» یک فعل یا فرآیند در بستر زمان یا مکان دلالت می‌کند. در این حالت، «حتی» به این پرسش پاسخ می‌دهد که: "این عمل تا کجا ادامه می‌یابد؟". برای مثال، در آیهٔ «...ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ...» (البقره، ۱۸۷)، ادات «إلی» به وضوح نقطهٔ پایانی روزه را مشخص می‌کند. کارکرد غایی «حتی» نیز چنین ماهیتی دارد و تمرکز آن بر حد و مرز یک رخداد است.

در مقابل، معنای «تعلیل» (کَیْ)، کارکردی تبیینی و فلسفی دارد و «هدف»، «حکمت» و «علت غایی» وقوع یک عمل را روشن می‌سازد. در این کاربرد، «حتی» دیگر به دنبال پاسخ به "تا کجا؟" نیست، بلکه به پرسش بنیادین "چرا؟" و "برای چه هدفی؟" پاسخ می‌دهد. وقتی «حتی» معنای تعلیلی به خود می‌گیرد، جملهٔ ماقبل آن به مثابه یک «وسیله» یا «مقدمه»، و جملهٔ مابعد آن به مثابه «نتیجه» یا «هدفی» که آن وسیله برای تحققش به کار رفته، معرفی می‌شود.

بنابراین، نزاع میان این دو معنا، در واقع نزاع میان یک «نگاه توصیفی» و یک «نگاه تبیینی» به فعل مذکور در آیه است. تحلیل بافت کلام و منطق حاکم بر آیات نشان می‌دهد که در گزاره‌هایی که خداوند در حال بیان فلسفهٔ یک حکم شرعی، حکمت یک سنت الهی، یا تبیین نیت و هدف فاعلان (اعم از مؤمنان یا کافران) است، در نظر گرفتن «حتی» به مثابه «کَی التعلیلیة»، فهمی به مراتب عمیق‌تر، منسجم‌تر و دقیق‌تر از مقصود آیه به دست می‌دهد. انتخاب معنای تعلیلی استدلال می‌کند که فعل مذکور در آیه، یک رخداد منفعل و بدون جهت نیست، بلکه ابزاری فعال و هدفمند برای رسیدن به یک غایت متعالی یا، در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

مورد افعال منفی، یک نیت سوء است. درک ایـن بُعـد از معنـای «حتـی»، مـا را از سـطح توصیف رویدادها به سطح فهم چرایی و حکمت آن‌ها ارتقا می‌دهد و به این ترتیب، لایه‌ای بنیادین از پیام وحی را آشکار می‌سازد.

در فهم آیه ۱۷۹ سوره آل عمران: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ...»، دوگانگی معنایی برای «حتی» وجود دارد: غایت زمانی (تا اینکـه) و تعلیل (برای اینکه). اگرچه معنای نخست از نظر دسـتوری صـحیح اسـت (سـمین حلبـی، ۲۷۰/۲) ، اما فهم «حتی» به معنای تعلیل، که مورد تأیید مفسـران برجسـته اسـت، عمـق حکمت الهی در پس ابتلائات را آشکار می‌سازد. بـر ایـن اسـاس، حـوادث و آزمـون‌هـا، رویدادهایی بی‌هدف نیستند که صرفاً به جداسازی منجر شوند، بلکه ابزارهـای هدفمنـدی هستند که سنت الهی «برای» تحقق این غایت مقرر کرده است. فخرالـدین رازی در تفسـیر خود، حوادثی چون اُحد را لازمه حکمت الهی می‌داند که «تا اینکه این امتیاز (میان مـؤمن و منافق) حاصل شود»، باید رخ می‌داد (فخررازی، ۴۴۲/۹). علامه طباطبایی نیز با نگاهی مشابه، سنت ابتلا را جاری می‌داند «تا مؤمنان تکمیل شوند» (لیـتم تکمـیلهم) و در نتیجـه این فرآیند، خبیث از طیب متمایز گردد (طباطبایی، ۸۰/۴). این دیدگاه که سید قطب آن را مبنای تبیین خود از لزوم «پالایش صفوف» قرار داده (قطـب، ۵۲۵/۱)، بـا شـاهد قرآنـی قاطعی از سوره انفال تقویت می‌شود. در آیه ۳۷ آن سوره، خداوند برای بیان همـین هـدف از لام تعلیل صریح بهره می‌برد: «لِيَمِيزَ اللَّـهُ الْخَبِيـثَ مِـنَ الطَّيِّـبِ» (درویـش، ۵۷۴/۳). ایـن همسانی موضوعی و کارکردی نشان می‌دهد که «حتی» در آیه آل‌عمران، همان نقش «لام» در سوره انفال را ایفا کرده و علت و فلسفه فعل الهی را بیان مـی‌کنـد. در نتیجـه، «حتـی» فراتر از یک قید زمان عمل کرده و حوادث را به مثابه ابزار حکمت الهی برای تحقق هدفی معین (جداسازی) معرفی می‌کند.

این منطق تحلیلی را می‌توان در موارد متعدد دیگری نیز به کار بست. آیهٔ ۶ سورهٔ توبـه می‌فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَـأَجِرْهُ حَتَّـى يَسْـمَعَ كَلَـامَ اللَّـهِ...» (البـراءة، ۶).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

زمخشری با درکی عمیق، این «حتی» را تعلیلیه می‌داند و معتقد است هدف از پناه دادن، فراهم آوردن فرصتی برای استماع کلام الهی است تا شاید حجت بر او تمام شود (زمخشری، ۲۴۸/۲). در واقع، فرمان «فَأَجِرْهُ» معلول و مبتنی بر «علت» شنیدن کلام خداست.

به همین ترتیب، در آیهٔ سورهٔ بقره «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ» (البقرة، ۲۱۷)، بیشتر مفسران ادبی، از جمله طبرسی، معنای تعلیل را ارجح دانسته‌اند. جنگ دائمی کفار نه یک فرآیند زمانی صرف، بلکه یک اقدام «هدفمند» است که «برای اینکه» شما را از دینتان بازگردانند، صورت می‌گیرد (طبرسی، ۵۵۳/۲). در اینجا، «حتی» به وضوح هدف و نیت شوم آنان را آشکار می‌سازد.

در تحلیل آیه ۱۹۳ سوره بقره، فهم «حَتَّى» به معنای «تعلیل» (برای اینکه) به جای «غایت» (تا اینکه)، فلسفه عمیق‌تری از جهاد را آشکار می‌سازد که بر اساس آن، قتال وسیله‌ای برای تحقق هدفی والاتر است. این دیدگاه با دلایل متعددی از سوی مفسران تقویت می‌شود: نخست آنکه «فتنه»، به تعبیر نویسنده المنار، نه صرفاً شرک، بلکه آزار و اذیت فعال و جلوگیری از اقامه دین است و لذا خود، علت مستقیم جنگ محسوب می‌شود (رشید رضا، ۲۱۱/۲). دوم، هدف غایی یعنی «وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»، که در کشاف و التحریر و التنویر به معنای آزادی کامل پرستش تفسیر شده، دلیل و فلسفه اصلی این حکم است (نک: زمخشری، ۲۳۶/۱؛ ابن عاشور، ۲۰۴/۲). این پیوند علّی با شرط پایانی آیه، «فَإِنِ انتَهَوْا...»، به اوج قوت می‌رسد، زیرا چنانکه زمخشری بیان می‌کند، با رفع علت (ظلم)، معلول (جنگ) نیز باید متوقف شود (همان). این فهم با برداشت صحابه‌ای چون عبدالله بن عمر که میان جنگ «برای رفع فتنه» و «برای ایجاد فتنه» تمایز قائل بود نیز همخوانی دارد (نک: ابن عطیه، ۲۶۴/۱). در نتیجه، آیه نه یک دستور تهاجمی، بلکه اصلی مبتنی بر عدالت برای رفع ظلم و تأمین آزادی عقیده است.

این کارکرد تعلیلی در آیهٔ ۳۱ سورهٔ محمد (ص) نیز آشکارا بر معنای غایت برتری دارد: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ...». طباطبایی و ابن عاشور هر دو بر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

معنای تعلیل تأکید کرده‌اند (طباطبایی، ۲۴۳/۱۸؛ ابن عاشور، ۱۰۴/۲۶). خداوند شما را می‌آزماید «برای اینکه» (به هدفِ) شناخته شدن مجاهدان و صابران. در نظر گرفتن معنای غایت (تا زمانی که بدانیم) این تصور نادرست را ایجاد می‌کند که پس از تحقق این علم، سنت آزمایش متوقف خواهد شد، در حالی که آیه در صدد بیان حکمت دائمی ابتلا است.

در آیهٔ سورهٔ نساء: «...وَلَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...» (النساء، ۴۳)، فهم دقیق «حتی» در بخش نخست آیه، کلید درک عمق فلسفهٔ حکم است. در حالی که می‌توان آن را به معنای غایت زمانیِ صرف (تا زمانی که) دانست، مفسران بزرگی بر وجه تعلیلی آن تأکید ورزیده‌اند. بر این اساس، نهی از نماز در حالت مستی، «برای آن است که» بدانید چه می‌گویید. ابن عربی به صراحت این عبارت را «علتِ نهی» می‌نامد و استدلال می‌کند که حکمت اصلی، فراتر از مستی شراب، شامل هر حالتی (مانند خواب‌آلودگی شدید) است که مانع از فهم و حضور قلب شود (ابن عربی، ۴۳۴/۱). این دیدگاه، که مفسرانی چون علامه طباطبایی و ابن عاشور نیز بر آن صحه گذاشته‌اند (طباطبایی، ۳۶۰/۴؛ ابن عاشور، ۱۳۴/۴)، با بیان صاحب زبدة البیان که «نماز با زوال عقل صحیح نیست» از منظر فقهی نیز تقویت می‌شود (مقدس اردبیلی، ۲۴/۱). بنابراین، این تفسیر نشان می‌دهد که «حتی» در این بافت، ابزاری دقیق برای تبیین مقاصد شارع است و به جای تمرکز بر یک محدودیت زمانی، بر حکمت و فلسفهٔ اصلی عبادت، یعنی لزوم آگاهی و حضور ذهن، تأکید می‌کند.

٤-۲. مرز میان غایت و استثناء: تحلیل «حتی» در گزاره‌های شرطی و محال

برای فهم دقیق تمایز میان کارکردهای مختلف «حتی»، لازم است از سطح تحلیل صرفاً لغوی فراتر رفته و به منطق حاکم بر گزاره توجه کنیم. در حالی‌که تمایز میان «غایت» (تا اینکه) و «تعلیل» (برای اینکه) به فلسفه و «هدفمندی» یک فعل می‌پردازد و به این پرسش پاسخ می‌دهد که "چرا این عمل انجام می‌شود؟"، مرزبندی میان «غایت» و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

«استثناء» (مگر اینکه) به حوزه «شرایط وقوع» آن فعل مربوط می‌شود و به پرسش "تحت چه شرایطی این عمل رخ می‌دهد یا نمی‌دهد؟" پاسخ می‌دهد.

کارکرد استثنائی «حتی»، که در آن به معنای «إلّا أن» عمل می‌کند، یکی از ظریف‌ترین و در عین حال قدرتمندترین ابزارهای بلاغی در قرآن کریم است. نادیده گرفتن این کارکرد و ترجمه آن به صورت یک غایت سادهٔ زمانی، فهم آیه را از یک گزارهٔ منطقی ـ شرطی، به یک گزارش صرفاً زمانی و روایی تقلیل می‌دهد و آن را سطحی و گاه ناصحیح می‌سازد. وقتی «حتی» در معنای غایی (إلی أن) به کار می‌رود، نقطهٔ پایان یک فرآیند قابل تصور و محتمل را مشخص می‌کند؛ فرآیندی که در یک بستر زمانی در جریان است و به یک پایان طبیعی می‌رسد. اما زمانی که «حتی» در نقش استثنائی ظاهر می‌شود، دیگر سخن از نقطهٔ پایان یک فرآیند نیست، بلکه کلام، یک حکم کلی (مانند یک نهی یا یک نفی) را صادر می‌کند و سپس وقوع یا نقض آن حکم را به یک شرط کاملاً انحصاری، بعید، یا حتی منطقاً محال گره می‌زند.

این ساختار منطقی که مبتنی بر استثناء است، به ویژه در دو موقعیت کلیدی و متمایز در قرآن کریم ظهور می‌یابد که هر یک هدف بلاغی خاصی را دنبال می‌کند:

۱. گزاره‌های متضمن شرط محال: در این ساختار، «حتی» ابزاری است برای «تأکید بر نفی ابدی». در اینجا، یک حکم نافی (لَنْ نُؤْمِنَ یا وَلَا یَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ) بیان شده و سپس با «حتی»، به شرطی گره می‌خورد که وقوع آن عقلاً یا عادتاً محال است (مانند دیدن خداوند یا عبور شتر از سوراخ سوزن). هدف از این ساختار، نه بیان یک غایت قابل دستیابی، بلکه نشان دادن این است که همان‌طور که این شرط هرگز محقق نخواهد شد، حکم اولیه نیز هرگز نقض نخواهد شد. در اینجا، «مگر اینکه» تنها ترجمهٔ منطقی است که این مفهوم محال بودن و تأکید بر نفی را منتقل می‌کند.

۲. گزاره‌های مبتنی بر شرط حصری: در این حالت، «حتی» برای بیان «تنها مجوّز» برای یک عمل به کار می‌رود. یک حکم کلی، معمولاً به صورت نهی (لَا تُقَاتِلُوا یا لَا تَحِلُّ)،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

صادر می‌شود و «حتی» تنها راه خروج یا تنها شرطی را که آن نهی را معلق می‌کند، معرفی می‌نماید. در اینجا نیز تمرکز بر زمان نیست، بلکه بر یک شرط انحصاری است. ترجمه به «تا اینکه» ممکن است این تصور را ایجاد کند که با گذشت زمان، حکم به خودی خود تغییر می‌کند، در حالی که «مگر اینکه» به درستی نشان می‌دهد که حکم، ثابت و مطلق است و تنها و تنها در صورت تحقق آن شرط خاص، تغییر می‌یابد.

بنابراین، تحلیل دقیق این دو ساختار، راه را برای فهم عمیق‌تری از آیات چالش‌برانگیز قرآن هموار می‌سازد و نشان می‌دهد که انتخاب «حتی» به جای ادوات دیگر، گزینشی کاملاً هدفمند و مبتنی بر منطقی بلاغی است. می‌توان بر این کارکرد صورت‌های دیگری را هم اضافه کرد از جمله:

الف) کاربرد در گزاره‌های شرطیه محال

در آیه ۵۵ سوره بقره، «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً...»، «حتی» کارکردی فراتر از یک غایت زمانیِ صرف دارد و برای بیان یک «غایت شرطیه محال» به کار رفته است که بر نفی ابدی تأکید می‌کند. اگرچه مفسرانی چون طبرسی و ابوحیان اندلسی آن را بر معنای غایی حمل کرده‌اند (طبرسی، ۲۴۰/۱؛ ابوحیان اندلسی، ۳۴۰/۱)، اما این دیدگاه، بار روانی کلام بنی‌اسرائیل را که مبتنی بر طغیان و بهانه‌جویی است، به طور کامل منتقل نمی‌کند. در مقابل، مفسران ژرف‌نگری چون سید قطب، معنای آن را نزدیک به «استثناء» (مگر اینکه) دانسته‌اند (قطب، ۷۲/۱) که این خوانش، سخن آنان را از یک وعده مشروط به یک امتناع قاطع تبدیل می‌کند. این رویکرد با دیدگاه مفسران دیگری که این درخواست را نه یک پرسش صادقانه، بلکه «موقفی متمرّد» و با «هدف به چالش کشیدن» دانسته‌اند، همسو است (فضل الله، ۲۸۱/۱). قوت این تفسیر با شاهد قرآنی از آیه ۱۴۳ سوره اعراف (لَنْ تَرَانِی) به اوج می‌رسد، زیرا با اثبات محال بودن شرط رؤیت، مشخص می‌شود که درخواست بنی‌اسرائیل بهانه‌ای برای عدم ایمان بوده است. بنابراین، «حتی» در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

این آیه ابزار بیان یک اتمام حجت متکبرانه است که یک غایت (ایمان آوردن) را به شرطی محال گره می‌زند تا امتناع ابدی خود را از پذیرش حق اعلام کنند.

این ساختار بلاغی، که در آن «حتی» ابزاری برای بیان یک شرط محال و بهانه‌جویانه است، به شکلی قدرتمند در آیه ۱۸۳ سوره آل‌عمران تکرار می‌شود: «...أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ...». مفسرانی چون فخر رازی و محمدجواد مغنیه بر معنای استثنائی «حتی» در اینجا تأکید کرده‌اند؛ یعنی ادعای یهودیان مبنی بر وجود پیمانی الهی که بر اساس آن به هیچ پیامبری ایمان نمی‌آورند، «مگر اینکه» معجزه خاصی (خوردن قربانی توسط آتش آسمانی) بیاورد (فخر رازی، ۴۴۹/۹؛ مغنیه، ۲۲۱/۲). در این نگاه، «حتی» بیش از آنکه یک غایت زمانی باشد، ابزار معرفی یک شرط انحصاری و ریاکارانه است. ماهیت بهانه‌جویانه این شرط زمانی آشکارتر می‌شود که به تحلیل مفسران دیگر توجه کنیم؛ این ادعا، چنان‌که در تفسیر آلاء الرحمن آمده، «دروغ و افترا» است و در نگاه من وحی القرآن، بخشی از یک نقشه برای «ساقط کردن اسلام از وجدان مسلمانان» با استفاده از دروغ‌هایی در لباس دین است (بلاغی، ۳۷۶/۱؛ فضل‌الله، ۵۱۲/۳). اوج افشای این ریاکاری در پاسخ کوبنده قرآن نهفته است: «...فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ». همانطور که ابن عاشور توضیح می‌دهد، این پاسخ نشان می‌دهد که عدم ایمان آن‌ها هیچ‌گاه مبتنی بر این ملاک نبوده، بلکه نشأت‌گرفته از «پیروی از هواهای نفسانی» است، چرا که نیاکانشان همان پیامبرانی را کشتند که به فرض، همین شرط را نیز برآورده بودند (ابن عاشور، ۲۹۹/۳). بنابراین، «حتی» در اینجا وسیله‌ای برای سفسطه و بیان شرطی است که خودشان نیز به آن پایبند نبوده‌اند و صرفاً برای توجیه انکارشان آن را مطرح کرده‌اند.

اوج این کاربرد بلاغی را می‌توان در آیهٔ مشاهده کرد: «...وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ...» (الاعراف، ۴۰). ترجمهٔ «تا زمانی که شتر...»، در اینجا کاملاً فاقد معناست. مفسرانی چون ابوزهره، «حتی» را به درستی ابزاری برای بیان یک «غایت محال» و «تأکید بر نفی ابد» دانسته‌اند (ابوزهره، ۲۸۳۸/۶). بهشت رفتن کافران، «مگر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

اینکه» محالی دیگر (عبور شتر از سوراخ سوزن) رخ دهد، که این خود نهایت یأس و تأکید بر عدم امکان مطلق است.

ب) کاربرد در گزاره‌های شرط حصری

در دسته‌ای دیگر از آیات، «حتی» نه یک امر محال، بلکه تنها راه ممکن و مجاز برای خروج از یک حکم کلی (اغلب یک نهی) را بیان می‌کند. در این ساختار، «حتی» مترادف با «إلا أن» (مگر اینکه) و بیانگر یک شرط انحصاری است. نمونهٔ بارز آن آیهٔ سورهٔ بقره است: «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ...» (البقرة، ۲۳۰). صاحب الدر المصون به هر دو احتمال غایت و استثناء اشاره کرده، اما تفاسیری چون فی ظلال القرآن به درستی بر معنای استثناء تأکید ورزیده‌اند (سمین حلبی، ۵۶۲/۱؛ قطب، ۲۵۰/۱). حرمت زن بر شوهر پس از طلاق سوم، مطلق است و تنها یک راه برای شکستن این حرمت وجود دارد و آن، «مگر اینکه» با مردی دیگر ازدواج کند. در اینجا، «حتی» یک شرط انحصاری را وضع می‌کند، نه یک غایت زمانی را.

همین تحلیل در آیه سوره نور نیز به روشنی صادق است: «... فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ...» (النور، ۲۸). نهی از ورود، حکمی کلی و قاطع است که «حتی» تنها مجوّز و شرط رفع آن را معرفی می‌کند. از این‌رو، مفسرانی چون شیخ طوسی، زمخشری و طبرسی، «حتی» را به معنای «إلّا» (مگر اینکه) حمل کرده‌اند (طوسی، ۴۲۶/۷؛ زمخشری، ۲۲۷/۳). این برداشت، در تفاسیر دیگر نیز به صراحت و یا به صورت ضمنی تأیید شده است. به عنوان مثال، طبرسی در جوامع الجامع، در یکی از وجوه تفسیری، آیه را مستقیماً چنین معنا می‌کند: «فلا تدخلوها إلّا بإذن أهلها» (طبرسی، ۱۰۲/۳). ابن عاشور نیز هدف از این ساختار غایی را «تأکید بر نهی» (تأکید النهی) می‌داند؛ به این معنا که ممنوعیت، یک اصل مطلق است و «حتی» تنها نقطه‌ای را مشخص می‌کند که این اصل مطلق در آن نقض می‌شود (ابن عاشور، ۱۶۱/۱۸). علامه طباطبایی نیز با تفکیک منطقی شرایط، تأکید می‌کند

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

که عنصر کلیدی، نه حضور فیزیکی افراد در خانه، بلکه وجود «اذن از جانب کسی است که مالک اذن است»، که این خود ماهیت استثنائی و شرطی بودن اجازه را تقویت می‌کند (طباطبایی، ۱۱۱/۱۵). بنابراین، با توجه به این اقوال، ترجمه و فهم آیه به صورت «وارد نشوید، مگر اینکه به شما اجازه داده شود «به شکل دقیق‌تری جوهرهٔ حکم شرعی و حقوقی آن را، که مبتنی بر یک ممنوعیت عام و یک استثناء خاص است، منتقل می‌کند.

این کارکرد «حتی» در بیان یک شرط حصری و معرفی «تنها مجوّز» برای یک عمل، در آیهٔ سورهٔ نمل به روشنی نمایان است: «... مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ» (النمل، ۳۲). کلام ملکهٔ سبأ، نه یک فرآیند زمانی، بلکه اعلام یک اصل بنیادین در حکومتداری است. در اینجا «حتی» شرطی را معرفی می‌کند که بدون آن، فعل «قطع امر» (تصمیم‌گیری نهایی) مطلقاً منتفی است. به همین دلیل، مفسرانی چون طبرسی و زمخشری کلام او را به این صورت ترجمه کرده‌اند: «تصمیمی نمی‌گیرم، مگر اینکه شما حاضر باشید و گواهی دهید» که این به وضوح نشان‌دهنده یک استثنای انحصاری است (نک: زمخشری، ۳۶۴/۳). ابن عاشور نیز با بیان اینکه این رویه، «دَأب و عادت» همیشگی او بوده، بر ماهیت این شرط به عنوان یک اصل ثابت تأکید می‌کند (ابن عاشور، ۲۵۸/۱۹). علامه طباطبایی نیز این سخن را به معنای نفی «استبداد به رأی» و عمل بر اساس «اشاره و حضور» بزرگان می‌داند که بر مشروط بودن تصمیماتش دلالت دارد (طباطبایی، ۳۶۰/۱۵). بنابراین، حضور بزرگان، نه صرفاً یک غایت زمانی، بلکه شرط انحصاری و تنها مجوّزی است که به تصمیمات او مشروعیت می‌بخشد و «حتی» ابزار بلاغی دقیقی است که این رابطهٔ شرطی حصری را برقرار می‌سازد.

در نهایت، تحلیل آیهٔ «وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا...» (القصص، ۵۹) نیز این رویکرد را تأیید می‌کند. مفسران بزرگی چون طباطبایی، فخر رازی و ابن عطیه، «حتی» را در این آیه به معنای «إلّا» دانسته‌اند (طباطبایی، ۶۲/۱۶؛ فخر رازی، ۷/۲۵). این آیه بیانگر یک سنت الهی قطعی است: هیچ قومی هلاک نمی‌شود، «مگر آنکه»

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

پیش از آن، فرستاده‌ای برای اتمام حجت برایشان مبعوث شده باشد. در اینجا نیز «حتی» بیانگر یک شرط لازم و استثنائی برای تحقق فعل الهی است. در تمامی این موارد، درک «حتی» به مثابه یک ادات استثناء، دقت معنایی و عمق بلاغی بیشتری به ترجمه و تفسیر آیه می‌بخشد و آن را از یک بیان ساده، به یک گزاره منطقیِ شرطی و مستدل تبدیل می‌کند.

۶. نتایج مقاله

تحلیل دقیق و روش‌مند ادوات قرآنی، پیش‌نیازی بنیادین برای دستیابی به لایه‌های عمیق‌تر معنایی وحی و حل بسیاری از مناقشات تفسیری است. این پژوهش با تمرکز بر ادات چالش برانگیز «حتی»، کوشید تا از سطح دسته‌بندی‌های نحوی فراتر رفته و با ارائهٔ یک چهارچوب معناشناختی، راهکاری برای رفع اختلافات تاریخی مفسران ارائه دهد. مسئلهٔ اصلی این بود که چرا ادات «حتی» در آیات متعددی به محل اختلاف نظر تبدیل شده و چگونه می‌توان بر اساس قرائن بافتاری، به تفسیری راجح و مستدل دست یافت. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که:

۱. بسیاری از این ابهامات، نه از پیچیدگی ذاتی این ادات، بلکه از عدم تفکیک دقیق میان سه کارکرد معنایی اصلی آن، یعنی انتهای غایت، تعلیل و استثناء نشأت می‌گیرد.

۲. نتایج تحلیل گستردهٔ آیات نشان داد که گرچه معنای «انتهای غایت» (إلی أن) معنای پایهٔ «حتی» است، اما اصرار بر این معنا در تمام بافت‌ها منجر به فهمی ناقص از آیات می‌شود.

۳. این پژوهش استدلال کرد که در آیاتی که حکمت و هدف یک فرمان الهی یا یک سنت جاری مورد نظر است، «حتی» کارکردی «تعلیلی» (بمعنی کَیْ) می‌یابد. همان‌گونه که در تحلیل طیف وسیعی از آیات، از جمله تبیین حکمت آزمایش الهی (حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ)، فلسفهٔ جهاد (حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ) و هدف از فرمان‌های شرعی (حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ) نشان داده شد، درک این ادات به معنای «برای اینکه» به مراتب دقیق‌تر از «تا اینکه» است و عمق فلسفی و الهیاتی آیه را بهتر آشکار می‌سازد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

۴. از سوی دیگر، این پژوهش اثبات کرد که در گزاره‌هایی که وقوع یک حکم به یک شرط انحصاری یا حتی امری محال گره خورده است، «حتی» معنای بلاغی «استثناء» (بمعنی إلّا أن) را به خود می‌گیرد. تحلیل ساختارهایی چون وعده‌های مشروط به محال (حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ... یا حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً) و احکام متکی به یک شرط انحصاری (... حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ یا ...حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ) به وضوح نشان داد که این ادات در چنین بافت‌هایی، ابزاری قدرتمند برای بیان «تأکید بر عدم امکان» یا «تعیین تنها راه مجاز» است. درک این کارکرد استثنائی، دقت معنایی ترجمه را به شکل چشمگیری افزایش می‌دهد و مقصود آیه را با شفافیت بیشتری منتقل می‌کند.

۵. در نهایت، این مقاله به پرسش اصلی خود این‌گونه پاسخ می‌دهد که رفع اختلافات تفسیری دربارهٔ ادات «حتی»، در گروی یک تحلیل سه‌بعدی و مبتنی بر بافت است. مفسر و مترجم باید در هر مورد از خود بپرسد: آیا آیه صرفاً در حال بیان نقطهٔ پایانی یک عمل است (غایت)، یا درصدد تبیین «چرا» و «هدف» آن عمل است (تعلیل)، و یا در حال بیان یک «شرط انحصاری» یا «استثناء» بر یک حکم کلی است (استثناء)؟ با به‌کارگیری این الگوی تحلیلی، می‌توان به داوری مستدل‌تری میان آراء مختلف دست یافت و تفسیری ارائه داد که هم با منطق درونی آیه و هم با انسجام کلی پیام قرآن سازگارتر است. سهم اصلی این پژوهش، ارائهٔ این چهارچوب روش‌مند برای ابهام‌زدایی به مثابه ابزاری کارآمد برای مفسران، مترجمان و قرآن‌پژوهان است تا بتوانند به فهمی دقیق‌تر و غنی‌تر از کلام الهی نائل آیند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عاشور، محمد الطاهر، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۳. ابن عربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، بیروت، دار الجیل، ۱۴۰۸ق.
۴. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
۵. ابن هشام، عبدالله‌بن‌یوسف، مغنی اللبیب عن کتب الأعاریب، قم، کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره)، بی‌تا.
۶. ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحیط، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۷. ابوزهره، محمد، زهرة التفاسیر، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
۸. آلوسی، محمودبن‌عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۹. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، وجدانی، بی‌تا.
۱۰. حسن، عباس، النحو الوافی، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۷ش.
۱۱. رشیدرضا، سیدمحمد، تفسیر القرآن الحکیم، بیروت، دار المعرفة، ۱۳۵۴ق.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۳. درویش، محی الدین، إعراب القرآن الکریم و بیانه، دمشق، دار الیمامة، ۱۴۱۵ق.
۱۴. السمین الحلبی، احمد بن یوسف، الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون، تحقیق: احمد محمد الخراط، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۴ق.
۱۵. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق: مرکز الدراسات القرآنیة، مدینه، مجمع الملک فهد لطباعة المصحف الشریف، ۱۴۲۱ق.
۱۶. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، لبنان، دار المعرفة، ۱۴۰۸ق.
۱۸. همو، تفسیر جوامع الجامع، قم، حوزة علمیة قم، ۱۴۱۲ق.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۰. فخررازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۱. فضل الله، سیدمحمد حسین، من وحی القرآن، بیروت، دار الملاک للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۳۹ق.
۲۲. قطب، سید، فی ظلال القرآن، قاهره، دار الشروق، ۱۴۲۵ق.
۲۳. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، قم، دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۲۴ق.
۲۴. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی أحکام القران، تهران، مکتبة المرتضویة، بی‌تا.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]